زندگی در کوهستان بعد از قتل پدر

گروه حوادث –عصر نخستین روز شهریور سال ۹۸ پسر جوانی پدرش را که با شلیک گلوله مجروح شده بود به بیمارستان منتقل کرد. مرد میانسال بلافاصله در بیمارستان بستری و تحت درمان قرار گرفت اما شدت جراحت و خونریزی مرگ او را رقم زد.

پسر جوان در تحقیقات گفت: پدرم برای گذاشتن کیسه زباله از خانه خارج شد، چند لحظه‌ای از رفتن او نگذشته بود که صدای تیراندازی و به‌دنبال آن فریاد به گوشم رسید. فوراً خودم را به بیرون از خانه رساندم و پدرم را در حالی که خونین در کنار سطل زباله روی زمین افتاده بود دیدم. چون سر ظهر بود و کسی در خیابان نبود، نمی‌دانم چه کسی این کار را انجام داده، سریع او را به بیمارستان منتقل کردم.

در حالی که مرگ این روانپزشک با شلیک گلوله از سوی مأموران کلانتری به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد، پسر جوان به بهانه‌ای از بیمارستان خارج و متواری شد.

با اعلام این خبر، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی خانه مقتول در خیابان یخچال شدند. در مقابل خانه، آثاری از شلیک گلوله و درگیری مشاهده نشد. اما زمانی که مأموران پا به خانه مرد میانسال گذاشتند، مدارکی به‌دست آمد که احتمال قتل خانوادگی را قوت بخشید. آثار شلیک گلوله روی در، لکه‌های خون پشت در خروجی خانه و آثار درگیری نشان از آن داشت که قتل در مقابل در خروجی آپارتمان رخ داده است.

جنایت خانوادگی

بدین ترتیب کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به تحقیق از اعضای خانواده مقتول پرداختند. پسر کوچک مقتول در تحقیقات از درگیری پدر و برادرش صحبت به میان آورد اما این را که چه کسی به پدرش شلیک کرده، بیان نکرد. همسر مقتول نیز مدعی بود که برای شرکت در مراسم ختم مادرش خانه را ترک کرده و از وقوع جنایت بی‌خبر بوده است.

با کنار هم قرار دادن مدارک و شواهدی که در تحقیقات به‌دست آمد، مشخص شد عامل این جنایت، پسر مقتول به‌نام شهرام بوده است.

با مشخص شدن هویت عامل جنایت، تحقیقات برای دستگیری شهرام ادامه یافت. اما هیچ رد و سرنخی از پسر ۳۰ ساله به‌دست نیامد. تا اینکه با گذشت ۲۰ ماه از قتل دکتر روانپزشک، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت مطلع شدند که شهرام هر چند وقت یکبار مخفیانه به دیدن خانواده‌اش رفته و با آنها دیدار می‌کند.

با مشخص شدن این موضوع و هماهنگی با بازپرس حبیب‌الله صادقی، کارآگاهان جنایی راهی خانه مقتول شده و محل را به‌صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند.

دستگیری هنگام فرار

با گذشت چند روز کارآگاهان جنایی، متوجه شدند که شهرام شبانه وارد خانه شده است. بررسی‌ها برای دستگیری او آغاز شد اما متهم که از حضور مأموران با خبر شده بود، از طریق پشت بام اقدام به فرار کرد.

بدین ترتیب تعقیب و گریز شروع شد و شهرام با رساندن خود به خیابان از یک موتور سوار خواست تا او را سوار کند. اما راکب موتورسیکلت پس از طی مسافتی زمانی که متوجه شد مأموران در تعقیب مسافرش هستند، موتور را متوقف و او را پیاده کرد. متهم که مأموران را همچنان در تعقیب خود می‌دید، ناگهان متوجه خودروی پرایدی شد که راننده‌اش برای باز کردن در پارکینگ پیاده شده بود اما همسرش داخل ماشین نشسته بود. متهم قصد داشت سوار پراید شود و فرار کند اما زن جوان بسرعت سوئیچ خودرو را برداشت و در همین فاصله مأموران نیز خود را به متهم رسانده و او را دستگیر کردند.

وی پس از دستگیری به قتل پدرش اعتراف کرد و گفت: با پدرم اختلاف داشتم روز حادثه بعد از خوردن غذا، با هم دعوایمان شد. می‌دانستم اسلحه پدرم کجاست، به سراغ آن رفته و به سمت پدرم نشانه گرفتم. پدرم با دیدن اسلحه به سمت در خروجی رفت تا فرار کند اما من تیر را شلیک کردم. بعد از اصابت گلوله به پدرم پشیمان شدم و فوراً او را به بیمارستان رساندم، زمانی که متوجه مرگ او شدم از بیمارستان فرار کردم.

او در رابطه با ۲۰ ماه زندگی مخفیانه‌اش گفت: پدرم همیشه در خانه دلار نگهداری می‌کرد. من بعد از فرار از بیمارستان به خانه آمده و ۲۵ هزار دلار و مقداری پول نقد برداشتم و فرار کردم. چند ماهی در یکی از کوهستان‌های اطراف زندگی کردم. مدتی هم به باغ یکی از اقوام در شهریار رفتم. هر چند وقت یکبار هم به مادرم سر می‌زدم. تصور نمی‌کردم که پلیس از این ماجرا با خبر شود و بعد از این همه مدت دستگیر شوم.

به دستور بازپرس جنایی، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات ادامه دارد.

دعوای ۳ پسر شیطان صفت و رهایی دختر فراری

گروه حوادث – دختر ۱۶ ساله پس انداز مادرش را دزدید و شبانه به مشهد رفت این دختر فراری در دام ۳ پسر گرفتار شد.

دختر ۱۶ ساله که از خانه فرار کرده بود تا خود را به مشهد برساند وقتی در تور ۳ پسر شیطان صفت گرفتار شد تازه متوجه شد چه تقدیر هولناکی در انتظارش است.

از مدتی قبل فقط به دنبال خوشگذرانی و تفریح بودم و به نصیحت‌های هیچ کس توجهی نداشتم. می‌خواستم زودتر ازدواج کنم و از زندگی ام لذت ببرم که به چنگ چند پسر غریبه افتادم و ...

این ها بخشی از اظهارات دختر ۱۶ ساله ای است که با هوشیاری نیروهای گشت کلانتری پنجتن مشهد از سقوط در منجلاب فلاکت و تباهی نجات یافت.

این دختر نوجوان که با شنیدن سرگذشت دختران فراری اشک ریزان از رئیس کلانتری تشکر می کرد، درباره سرگذشت تاسف بار خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: پدرم مردی معتاد بود و هیچ مسئولیتی را در قبال خانواده اش احساس نمی کرد.

او معنای مهر و محبت را نمی دانست و هیچ گاه دست نوازش بر سرم نمی کشید. مادرم همواره درگیر مسائل و مشکلات خانوادگی بود به طوری که من و برادرم را به فراموشی سپرد. در این میان من فقط به برادر بزرگ ترم وابسته بودم و با او درددل می کردم.

«حسن» هم با طمأنینه و آرامش به حرف هایم گوش می داد و به من محبت می کرد. اما سال گذشته حادثه تلخی رخ داد که زندگی ام را دگرگون کرد.

برادرم که سوار موتورسیکلت بود، در یک حادثه تلخ رانندگی و به خاطر نداشتن کلاه ایمنی جان سپرد و بدین ترتیب من تنها پشتیبانم را از دست دادم. دیگر کسی دلداری ام نمی داد و به حرف هایم گوش نمی کرد. پدر و مادرم نیز همچنان درگیر مشکلات مالی و ناسازگاری های رفتاری بین خودشان بودند به گونه ای که هیچ کاری به کارم نداشتند و مرا به حال خودم رها کردند.

این گونه بود که در جست و جوی محبت راهی کوچه و خیابان شدم و گمشده ام را در فضاهای مجازی جست و جو کردم. درس و مدرسه هیچ اهمیتی برایم نداشت و با هر لبخند خیابانی دل می باختم و با هر اخمی قهر می کردم.

هر کس ذره ای محبت به من نشان می داد عاشقانه به سویش می دویدم و او را ناجی خودم می دانستم. به همین دلیل بارها مورد سوءاستفاده پسران هوسران قرار گرفتم اما به امید این که زودتر ازدواج کنم و به خوشگذرانی و لذت بپردازم باز هم اسیر حرف های دروغین و محبت های هوس آلود در فضای مجازی شدم.

فقط به این می اندیشیدم که اگر کسی مرا دوست داشت و از من تعریف و تمجید می کرد پس انسان خوبی است و باید به او اعتماد کنم. خلاصه در همین روزها بود که از طریق یکی از دوستانم وارد یکی از گروه های اجتماعی در فضای مجازی شدم و به پیامک بازی و ارسال تصاویر در آن گروه مختلط دختران و پسران پرداختم تا این که با چند پسر جوان در مشهد آشنا شدم.

هر کدام از آن ها به نوعی به من ابراز علاقه می کردند و از زیبایی ظاهری ام سخن می گفتند. این بود که دعوت آن ها را برای ملاقات حضوری پذیرفتم تا شاید یکی را برای ازدواج انتخاب کنم.

قرار ما در یکی از رستوران های مشهد بود و من شبانه با اتوبوس از یکی از شهرهای خراسان جنوبی به مشهد آمدم. هیچ کس را نمی شناختم و با پولی که از پس اندازهای مادرم برداشته بودم سوار تاکسی شدم و به محل قرار رفتم. آن سه پسر جوان هم به رستوران آمدند اما هنوز غذایی نخورده بودیم که آن پسران غریبه بر سر این که من به منزل کدام یک از آن ها بروم به مشاجره پرداختند و با هم درگیر شدند.

در همین زمان من وحشت زده از رستوران بیرون آمدم و با ماموران انتظامی رو به رو شدم. آن ها که چهره وحشت زده و پریشان مرا دیدند متوجه شدند که من از خانه فرار کرده ام و به چنگ چند پسر غریبه افتاده‌ام. آن ها با دستگیری چند پسر جوان که حالت طبیعی نداشتند مرا هم به کلانتری انتقال دادند. این جا وقتی از سرگذشت و عاقبت تلخ و وحشتناک دختران فراری آگاه شدم که در دام باندهای فساد گرفتار شده اند و گاهی به قتل رسیده اند، خدا را شکر کردم که با حضور به موقع نیروهای انتظامی از چنگ آن پسران هوسران نجات یافتم. حالا فهمیدم که بهترین محیط کانون خانواده است و لبخندها و محبت های خیابانی چیزی جز هوسرانی و تباهی نیست و ...

شایان ذکر است، با صدور دستوری از سوی سرهنگ غلامعلی مالداری (رئیس کلانتری پنجتن) دختر نوجوان در پناه پلیس قرار گرفت تا اقدامات قانونی و قضایی برای تحویل وی به خانواده اش صورت گیرد.

جزئیات قتل روانپزشک معروف در خیابان یخچال تهران ؛

زن باهوش قاتل را تحویل پلیس داد

گروه حوادث –پسر جوان که ۲۰ ماه قبل پدر روانپزشکش را به خاطر اختلاف خانوادگی به قتل رسانده بود در عملیات تعقیب و گریز پلیسی بازداشت شد.

عصر نخستین روز شهریور سال ۹۸ پسر جوانی پدرش را که با شلیک گلوله مجروح شده بود به بیمارستان منتقل کرد. مرد میانسال بلافاصله در بیمارستان بستری و تحت درمان قرار گرفت اما شدت جراحت و خونریزی مرگ او را رقم زد.

پسر جوان در تحقیقات گفت: پدرم برای گذاشتن کیسه زباله از خانه خارج شد، چند لحظه‌ای از رفتن او نگذشته بود که صدای تیراندازی و به‌دنبال آن فریاد به گوشم رسید. فوراً خودم را به بیرون از خانه رساندم و پدرم را در حالی که خونین در کنار سطل زباله روی زمین افتاده بود دیدم. چون سر ظهر بود و کسی در خیابان نبود، نمی‌دانم چه کسی این کار را انجام داده، سریع او را به بیمارستان منتقل کردم.

در حالی که مرگ این روانپزشک با شلیک گلوله از سوی مأموران کلانتری به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد، پسر جوان به بهانه‌ای از بیمارستان خارج و متواری شد.

با اعلام این خبر، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی خانه مقتول در خیابان یخچال شدند. در مقابل خانه، آثاری از شلیک گلوله و درگیری مشاهده نشد. اما زمانی که مأموران پا به خانه مرد میانسال گذاشتند، مدارکی به‌دست آمد که احتمال قتل خانوادگی را قوت بخشید. آثار شلیک گلوله روی در، لکه‌های خون پشت در خروجی خانه و آثار درگیری نشان از آن داشت که قتل در مقابل در خروجی آپارتمان رخ داده است.

بدین ترتیب کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به تحقیق از اعضای خانواده مقتول پرداختند. پسر کوچک مقتول در تحقیقات از درگیری پدر و برادرش صحبت به میان آورد اما این را که چه کسی به پدرش شلیک کرده، بیان نکرد. همسر مقتول نیز مدعی بود که برای شرکت در مراسم ختم مادرش خانه را ترک کرده و از وقوع جنایت بی‌خبر بوده است.

با کنار هم قرار دادن مدارک و شواهدی که در تحقیقات به‌دست آمد، مشخص شد عامل این جنایت، پسر مقتول به‌نام شهرام بوده است.

با مشخص شدن هویت عامل جنایت، تحقیقات برای دستگیری شهرام ادامه یافت. اما هیچ رد و سرنخی از پسر ۳۰ ساله به‌دست نیامد. تا اینکه با گذشت ۲۰ ماه از قتل دکتر روانپزشک، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت مطلع شدند که شهرام هر چند وقت یکبار مخفیانه به دیدن خانواده‌اش رفته و با آنها دیدار می‌کند.

با مشخص شدن این موضوع و هماهنگی با بازپرس حبیب‌الله صادقی، کارآگاهان جنایی راهی خانه مقتول شده و محل را به‌صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند.

دستگیری هنگام فرار

با گذشت چند روز کارآگاهان جنایی، متوجه شدند که شهرام شبانه وارد خانه شده است. بررسی‌ها برای دستگیری او آغاز شد اما متهم که از حضور مأموران با خبر شده بود، از طریق پشت بام اقدام به فرار کرد.

بدین ترتیب تعقیب و گریز شروع شد و شهرام با رساندن خود به خیابان از یک موتور سوار خواست تا او را سوار کند. اما راکب موتورسیکلت پس از طی مسافتی زمانی که متوجه شد مأموران در تعقیب مسافرش هستند، موتور را متوقف و او را پیاده کرد. متهم که مأموران را همچنان در تعقیب خود می‌دید، ناگهان متوجه خودروی پرایدی شد که راننده‌اش برای باز کردن در پارکینگ پیاده شده بود اما همسرش داخل ماشین نشسته بود. متهم قصد داشت سوار پراید شود و فرار کند اما زن جوان بسرعت سوئیچ خودرو را برداشت و در همین فاصله مأموران نیز خود را به متهم رسانده و او را دستگیر کردند.

وی پس از دستگیری به قتل پدرش اعتراف کرد و گفت: با پدرم اختلاف داشتم روز حادثه بعد از خوردن غذا، با هم دعوایمان شد. می‌دانستم اسلحه پدرم کجاست، به سراغ آن رفته و به سمت پدرم نشانه گرفتم. پدرم با دیدن اسلحه به سمت در خروجی رفت تا فرار کند اما من تیر را شلیک کردم. بعد از اصابت گلوله به پدرم پشیمان شدم و فوراً او را به بیمارستان رساندم، زمانی که متوجه مرگ او شدم از بیمارستان فرار کردم.

او در رابطه با ۲۰ ماه زندگی مخفیانه‌اش گفت: پدرم همیشه در خانه دلار نگهداری می‌کرد. من بعد از فرار از بیمارستان به خانه آمده و ۲۵ هزار دلار و مقداری پول نقد برداشتم و فرار کردم. چند ماهی در یکی از کوهستان‌های اطراف زندگی کردم. مدتی هم به باغ یکی از اقوام در شهریار رفتم. هر چند وقت یکبار هم به مادرم سر می‌زدم. تصور نمی‌کردم که پلیس از این ماجرا با خبر شود و بعد از این همه مدت دستگیر شوم. به دستور بازپرس جنایی، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات ادامه دارد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

به تعدادی نیروی نگهبان ، لابی من ، خدماتی و کارگر فنی نیازمندیم. داشتن گواهی عدم اعتیاد الزامی می باشد. مراجعه حضوری به مجتمع درسا مهر ۴۴۴۸۷۰۱۲

خانم کارمند امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می شود.متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

نیروی خدماتی خانم با سواد جهت کار در یک شرکت استخدام می شود.متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی صبح

خانم آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر)
شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

معلم خصوصی زبان (خانم) جهت تدریس خصوصی مجازی دعوت به کار می شود.
تلفن هماهنگی ۰۹۳۴۷۶۸۲۹۵۵
ساعت تماس ۸ الی ۱۵

استخدام

Feller MIGEL DeLonghi

شرکت بازرگانی سنجه کیش

نمایندگی انحصاری دلونگی، میگل و فلر

از علاقمندان به مشاغل ذیل دعوت به همکاری می نماید:

۱– صندوقدار فروشگاهی (خانم)
۲– فروشنده (آقا)
۳– راننده هایس و شش چرخ

شماره تماس : ۳-۴۴۴۵۶۶۹۲-۰۷۶
ساعت تماس ۱۰ لی ۱۳

استخدام منشی عصر

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است .
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند . ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)
شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

خریدار

موتور شارژی خریداریم
۰۹۱۷۷۶۵۶۵۴۸

آموزش

آموزش موسیقی

پیانو – آواز – سلفژ
سنتور – تنبک
دف (ویژه بانوان) – گیتار
زیرنظر لیسانس موسیقی با ۳۰سال
سابقه تدریس و اجرای عمومی
۹۱۲۴۱۲۹۷۴۷

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۳۹۱۰

تغییر آدرس مطب

مطب دندانپزشکی دکتر پاکدامن

از تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۱
به آدرس: سارینا ۱، طبقه چهارم، واحد ۴۱۴ انتقال می‌یابد
۰۷۶-۴۴۴۶۸۸۹۱ - ۴۴۴۶۸۸۹۰
۰۹۳۵۹۲۶۲۰۰۲

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما – کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

شرکت آریا اطلس کیش

اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی
حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزوده، حقوق و دستمزد
آدرس: خیابان ساحل، بازار دیپلمات، طبقه اول تجاری، واحد ۱۰۹
شماره تماس: ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳ - ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۵۱

ضدعفونی

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی
تجاری،اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد – فوری

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش